

در پی بحران سیاسی که سرپای نظام سرمایه‌داری اسلامی را فرا گرفت، افراد و محافل چپ در خارج از ایران با این پرسش روبرو گشتند که چه‌گونه و تحت چه عنوانی باید فعالیت کنند تا استراتژی چپ را در جامعه تقویت کنند؟ اگرچه «چپ» مفهومی گسترده و قابل تعبیر و تفسیر است، منظور ما در اینجا آن بدیلی است که باید از درون مبارزات تمامی انسانهایی که بطور رادیکال با سرمایه‌داری جهانی و از جمله تمامیت رژیم حاکم بر ایران مبارزه می‌کنند، ساخته شود. سرنگونی رژیم سرمایه‌داری اسلامی از طریق انقلاب اولین شرط برای ساختن و شکل‌گیری بدیل سوسیالیستی است. پاسخ ما به این پرسش، «چه نوع فعالیتی در خارج از ایران به شکل‌گیری چنین بدیلی کمک می‌کند؟» فعالیت با هویت مستقل چپ است. ما بر آنیم که شرایط مادی در جامعه به نفع چپ است. اگر مبارزات مردمی در ایران رادیکالیزه نمی‌شد، مقاومت سیاسی ما در مقابل لشکرکشی‌های لیبرالی و فرم‌طلب در خارج از ایران با سختی بسیاری همراه می‌شد و برای طرح شعار سرنگونی رژیم با مشکلات زیادی روبرو می‌بودیم. گواه این مدعا اولین روزهای اعتراض ایرانیان خارج از کشور است. اما شرایط سیاسی، ذهنی و فرهنگی به نفع چپ نیست. به باور ما فعالیت چپ‌ها باید به قصد برهم زدن توازن قوای سیاسی، ذهنی و فرهنگی موجود در جهت افق و بدیل سوسیالیستی جامعه صورت بگیرد. اما بسیاری از رفقای چپ که در کانون‌ها، انجمن‌ها و نهادهای لیبرالی و یا دمکراتیک فعال هستند بر این باوراند که باید کماکان با همان شکل و محتوای سابق به فعالیت ادامه داد. استدلالهایی که این رفقا ارائه می‌کنند عمدتاً از این قرار هستند:

- مبارزات مردم ایران برای خواسته‌های دمکراتیک است، پس ما هم باید شکل و محتوای مبارزاتی دمکراتیک را انتخاب کنیم.
 - دمکراسی سیاسی و مدنی یک مرحله ضروری در پیشرفت به سمت سوسیالیسم است. پس در این مرحله ما نباید به دنبال خواست حداکثر خود باشیم.
 - چپ پروژه‌های شکست خورده است و ایجاد دافعه می‌کند، تحت عنوان چپ نمی‌توان در بین ایرانیان فعالیت کرد.
 - تضاد جامعه ایران نه کار با سرمایه بلکه سنت و مدرنیته است.
 - چپ مفهومی گسترده است که بخودی خود روشنگر نیست.
- استدلال‌های دیگری هم وجود دارند که کمتر به بیان می‌آیند:
- فعالیت تحت عنوان چپ باید در جهت تحزب کمونیستی و ایجاد حزب پیشاهنگ باشد.
 - انجمن‌ها، کانون‌ها و دیگر نهادها، محمل‌هایی دمکراتیک برای جذب نیرو در جهت ساختن حزب هستند.

پرداختن به هر یک از این استدلال‌ها فرصت جداگانه‌ای می‌طلبد. اما دو مشکل اساسی که در نگاه این رفقا وجود دارد، یکی این است که تحت عنوان «کار اجتماعی و فعالیت توده‌ای» به وجه سیاسی مبارزه در خارج از ایران کم بها می‌دهند و به تمامی در جنبش جاری حل می‌شوند. آنها فراموش می‌کنند، آنچه ایرانیان سیاسی مقیم خارج، از چپ تا راست، انجام می‌دهند تقویت یا تضعیف یک گرایش یا صفت‌بندی سیاسی است؛ که خود انعکاسی از جدال‌های اجتماعی درون جامعه ایران است. اگر سه گرایش سیاسی زیر را تأثیرگذارترین گرایش‌های سیاسی در جامعه ایران بدانیم، خارج از ایران نیز محل انعکاس، صفت‌بندی و یا شکل‌گیری شفاف این گرایش‌های سیاسی اصلی در جامعه است:

- ۱- رفرمیست‌ها (حکومتی و غیر حکومتی). این‌ها پراگماتیست سیاسی هستند که به هیچ‌تغییر، تحول و دگرگونی باور ندارند. آنها تنها خواهان ترمیم نظام سیاسی فعلی هستند. انواع لابیست‌ها، مزدبگیرها، کارچاق‌کن‌ها، دلال‌های سیاسی و جاسوس‌ها جزو این دسته هستند.
- ۲- لیبرال‌های ایرانی که در حوزه نظر خواهان دولت مدرن، دمکراسی بورژوازی و اتکا به سازمان‌های حقوق بشری هستند، ولی در عمل همانطور که تاریخ معاصر ایران بطور واضح نشان می‌دهد، همیشه زیر عبای دین احساس امنیت بیشتری می‌کنند.
- ۳- چپ‌ها (گرایش‌ها گوناگون کمونیستی، مارکسیستی، مارکسیستی‌لنینیستی، کارگری و آنارشوییستی)

این سه گرایش سیاسی در شکل احزاب و سازمان‌های سیاسی از یک طرف و افراد و محافل از طرف دیگر بروز علنی پیدا می‌کنند و با یکدیگر نیز تداخل و مراوده دارند.

ما فکر می‌کنیم در دوره کنونی مبارزات مردم ایران اگر نمی‌خواهیم منتظر اراده تاریخ بمانیم، باید گفت‌مان و اتحاد عمل چپ را در جامعه تولید کنیم، گرایش سیاسی فرودستان را در جامعه تقویت و شفاف سازیم و پاسخ مناسب و ویژه‌ی خود را برای فرا رفتن از مناسبات سرمایه‌داری پیدا کنیم. در غیر این صورت فعالیت سیاسی چپ تحت عناوین «لیبرالی-دمکراتیک» از یک سو حل شدن و دنباله‌روی از دو گرایش غیر چپ در جامعه ایران و صف‌بندی‌های خارج از کشوری آنها است و از سوی دیگر کمک مستقیم به آلترناتیوهای لیبرالی و اصلاح طلبی در جامعه می‌باشد.

مشکل دوم که رفقای ما به آن گرفتار هستند، نگاه مکانیکی و ابزارگرایانه است که به قدرت، به انسان‌ها و روابط مابین آنها دارند. آنها می‌خواهند تحت پوشش فعالیت به اصطلاح دمکراتیک در این گونه نهادها، آنها را سرخ کنند. دوستان ما ابتدا در نهادی که ایدئولوژی و برنامه لیبرالیسم "آزادی‌خواهانه" بر آن حاکم است پا می‌گذارند و بعد (به قول خودشان) اینجا و آنجا با طرح شعاری رادیکال که بنظر این رفقا تنها «سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد، شعاری که ۳۰ سال پیش رادیکال بود و امروز برای همه بغیر از موسوی و کروبی امری عادی گشته است، سعی می‌کنند آن تشکل لیبرالی را به نهادی برابری طلب و عدالت خواه تبدیل کنند. مبارزه طبقاتی جای خود را به معماری طبقاتی می‌دهد و مبارزه سیاسی تبدیل به داد و ستد سیاسی می‌شود. رفقا منافع طبقه کارگر، زحمتکشان و تهی‌دستان را به فراموشی می‌سپارند و کشتی خود را پر از اجناس "آزادی‌خواهانه" می‌کنند و بعد قرار است به اراده، نیت و صداقت این رفقا از درون آن کالاها در حین راه برابری و همبستگی بیرون طراود. این رفقای چپ ما که اکنون مخالف حرکت مستقل چپ می‌باشند، با خرسندی از این که خود و رفقای تشکیلاتی‌شان برگزار کننده یا سازمان‌دهنده حرکت‌های عمومی هستند، منتظر زمانی می‌باشند که بشود علناً با صدای چپ حرف بزنند و عمل کنند. در این نگاه که مخصوص چپ سنتی است، ساختن جهانی بهتر، امری از بالا، اراده‌گرایانه، دولتی و با اقدامات مهندسی است. در این نگاه به انسان‌ها و روابط بین آنها و طبقاً به طبقات اجتماعی همچون شیئی نگریده می‌شود که می‌توان آنها را جابجا یا بالا و پایین کرد تا با رشد نیروهای مولده سوسیالیسم جوانه بزند و سبز شود. در این نوع نگاه به سوسیالیسم، جایی برای مشارکت مستقیم انسانها و طبقات اجتماعی به منظور آفریدن روابط انسانی جدید وجود ندارد.

در اینجا باید یادآور شویم که هستند فعالان سیاسی چپ که صادقانه در این گونه انجمن‌ها فعالیت می‌کنند ولی از آنجا که در باره چپ و سوسیالیسم، دچار انواع و اقسام مسائل حل نشده نظری و سیاسی هستند و از طرف دیگر به درازای عمر تبعید در خارج از ایران زیر بمباران ایدئولوژیک راست بوده‌اند، فعالیت تحت عنوان چپ را بی‌فایده می‌بینند. اگرچه ما فکر می‌کنیم ایستادن در پوزیسیون (موضع) چپ در جامعه، در درجه اول ناشی از گرایش، جایگاه و اهداف طبقاتی مشخصی است که هر فرد خود را با آن تعریف می‌کند. ولی از طرف دیگر نقش سردرگمی‌های نظری و سیاسی را ناچیز نمی‌شماریم و به کمکاری چپ‌ها برای پاسخ‌گویی به این معضلات نظری و معرفتی تأکید می‌کنیم و از تمام کسانی که در این موارد می‌توانند ضمن مبارزه نظری با انواع و اقسام دیدگاه‌های راست و لیبرالی به تقویت موضع چپ در جامعه ایران کمک کنند، خواهان تلاش بیشتری هستیم.

فعالان چپ خارج از ایران، اگر مبارزه اجتماعی داخل و جایگاه آن در منطقه و جهان را در نظر بگیرند و از منظر فرودستان جامعه، کارگران، زنان، زحمتکشان، تهی‌دستان، ملیت‌ها و تمامی آنهایی که بحساب نمی‌آیند، حرکت کنند، باید از یک طرف بر بی‌آینده بودن طرح‌ها و نقشه‌های لیبرالی چه از درون نظام و چه بیرون از آن پای بفشارند و از طرف دیگر به تولید یک گفت‌مان چپ از طریق گفت‌وگو در یک پروسه همکاری مبارزاتی به دور از خود مرکز بینی و سکتاریسم به جامعه ایران یاری رسانند. علیرغم شکست‌ها و پیروزی‌های چپ در سراسر جهان، خواست برچیدن بساط استثمار، نابرابری، بی‌حقوقی و روابط سرمایه‌داری همیشه وجود دارد. چرا که واقعیت استثمار، تبعیض، جنگ و بی‌حقوقی وجود دارد. ما فکر می‌کنیم نقد رادیکال سرمایه‌داری نزد چپ است. دیدگاه‌های دیگر یا اساساً خواهان برچیدن مناسبات سرمایه‌داری نیستند و یا این امر را به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌کنند. گام برداشتن بسوی آینده هیچ تضمینی به‌جز سلامت پراکسیس امروز ما ندارد.

جمعی از چپ‌های شهر کلن